

گامی در مسیر خودسازی

و صحیح سراغ داریم آیات قرآنی و روایات است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا یکی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است. در این گفتار برای این که بدانیم که شکلبرزخی عجب در حقیقت چگونه است به روایتی از نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله در آن امیرالمؤمنین علیه السلام را سفارشات کرده اند اشاره ای خواهیم کرد: «ولا وحده او حش من العجب»^(۵) هیچ تنهایی از عجب وحشتناک تر نیست. نظر به این است که عجب تنهایی وحشتناکی است که آن که به این بیماری مبتلا شده را زیر شکنجه غربت سخت خود خرد می کند.

جالب توجه این که از نظر روانشناسی هم حقیقت همین است. هر که مبتلا به ناز و دلال گردد و به دارایی مال و ثروت، زیبایی، اخلاق خوب و فصاحت و بلاغت و... خود بیالددر واقع با این ناز و کرشمه خود را تنها می کند و دیگران به راحتی از او گسسته و جدا می شوند او بی یار و یاور مانده و کمتر کسی مایل است که چنین شخصی را تحمل کند.

حضرت امام خمینی رحمه الله از همین حدیث برای اثبات تجسم جسمانی عجب بهره برده اند و می فرمایند که: صورت این سرور در برزخ و ما بعدالموت، وحشت و هولناکی سخت است که هیچ وحشتی، شبیه آن نیست.^(۶)

در واقع امام خمینی به وحشت و هولناکی بیشتر توجه فرموده اند.

در حالی که وحدت و تنهایی وحشتناک صورت برزخی عجب است چنانچه از لحن روایت پیداست نه وحشت و هولناکی سخت که امام خمینی رحمه الله استنباط فرموده اند.

سرای آخرت و یا برزخ شدیم دیده ای بینا خواهیم یافت و آن گونه که هستیم خود را می بینیم. در قرآن به این نکته جدی اشارتی آمده است که: «فکشفنا عنک عطاءئک فبصرک الیوم حدید»^(۴). حین کوچ کردن از این دنیا به دنیای دیگر (برزخ) چشم تو بیدار و تیز خواهد شد در نتیجه پرده و حجابی را که خود بر چشم خویش آویخته ای کنار زده می شود. سومین راهی که برای یافت حقیقت رفتار اخلاقی و یا نیات فاسد

دکتر مرتضی آقا تهرانی

صورت برزخی عجب:

اگر دیده بینا و چشمی بیدار داشته باشیم در همین سرای می توان باطن اعمال خوب و بد را آن گونه که هست نظاره کرد. این دیدار به گونه ای است که کار زشت، خود نشان می دهد که چگونه به انسان قیافه ای دیگر می دهد و او را از حالت انسانی خارج می کند. اگر این گونه چشم و دیده نداشته باشیم که معمولاً انسانها این گونه اند، در نهایت بعد از مرگ چون رهسپار

مفاسد و آثار عجب:

توجه به آثار یک رذیله اخلاقی از این جهت حائز اهمیت است که با دانستن آن بهتر می‌توان درک خطر آن کرد و به تربیت نفس پرداخت. در این بخش به بعضی از آثار عجب نظری گذرا خواهیم داشت گو این‌که بحث گذشته که صورت برزخی عجب بود خود می‌تواند زیر مجموعه مفاسد و آثار عجب باشد.

۱. عجب موجب نابودی ایمان و اعمال صالح انسانی است. در حدیثی قدسی اینگونه آمده است که خداوند به حضرت داود نبی علیه السلام فرمود: ای داود! کنجکاوان را مژده ده! و صدیقان (راستینان) را بترسان و برحذر دار! داود به خداوند عرض کرد: چگونه؟ خدای تعالی فرمود: مژده و بشارت ده اهل گناه را که من توبه پذیرم و از گناه در می‌گذرم. ولی به صدیقان بگو: مبادا به اعمال خویش بنازند! چه این‌که بنده‌ای نیست که پای حساب آید (و مبتلا به این بیماری باشد) مگر این‌که هلاک خواهد شد.

۲. عجب از گناه بدتر است. از امام صادق علیه السلام روایت شده ^(۷) که "خداوند خود می‌داند که برای مؤمن گناه از عجب بهتر است چرا که اگر غیر از این بود هرگز مؤمنی به گناه آلوده نمی‌شد." ^(۸)

با این‌که گناه خود عامل دوری از قرب خداوندی است ولی چرا باید مؤمن در اصلاح نفس خود نکوشد که از بدترین وسیله ممکن برای حفظ او خداوند بهره گیرد؟! آیا این حدیث گویای این نیست که عجب از گناه کوبنده‌تر برای مؤمن و سالک الی الله است؟!

۳. عجب عامل نابودی و هلاکت است: در گفتاری از جناب رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که عجب از مهلکات دانسته‌اند.

امام علی علیه السلام هم فرموده‌اند "من دخله العجب، هلك" ^(۹) هرکه (ناز و دلال) عجب ورزد نابود شود. بیان امام به گونه‌ای است که از آثار وجود عجب هلاک است. این اثر تکوینی را نباید کم انگاشت.

۴. باعث تسلط شیطان است: روایت



شده است که جناب موسی بن عمران (علی نبینا و آله و علیه السلام) از شیطان پرسیدند که کدام گناه است که اگر انسان به آن آلوده گردد تو بر او مسلط و چیره می‌شود؟ شیطان در پاسخ گفت: هرگاه کسی کاری خوب انجام دهد و آن را بزرگ شمارد و به ناز و دلال افتد و یا کار زشتی را انجام دهد و آن رفتار بد در نظرش کوچک جلوه کند، در این دو موقعیت است که من به او چیره می‌گردم. ^(۱۰)

۵. موجب عدم قبولی سایر اعمال است. مرحوم شیخ صدوق که یکی از بزرگ‌ترین محدثین شیعه است در کتاب خصال روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرموده‌اند: شیطان گوید اگر من در سه چیز بر فرزند آدم چیره و غالب گردم دیگر هیچ باکی ندارم که او چه می‌کند. زیرا که سایر اعمال او هرگز پذیرفته درگاه خداوندی نیست. یکی از آن‌ها این‌که: عمل خود را بسیار بداند و گناه خویش را فراموش کند و عجب (ناز و دلال و به خود بالیدن) در او راه یابد. ^(۱۱)

۶. انسان را از خودسازی و اصلاح نفس باز می‌دارد: اگر این بیماری در دل ریشه کرد و انسان بر این باور باشد که اعمالش خوب است و باید از او تقدیر گردد در این صورت او کی به فکر اصلاح خویش خواهد افتاد؟! کسی به دنبال خودسازی می‌رود که بر این باور باشد که مشکلی دارد.

بعید نیست گفته شود که این بیماری از همه انواع و آثار گذشته بدتر است. چون عجب او موجب شده که او خود را از دیگران برتر بداند و بپندارد که مشکلی ندارد. هرگز چنین کسی به طبیب نفس مراجعه‌ای

نخواهد داشت بلکه اگر به او گفته شود تو بیمار هستی حتماً با ناباوری طرف را مخاطب قرار داده که این مشکل شماسست نه مشکل من.

۷. شخصی که به عجب مبتلا شد بر خود اعتماد یافته و خود را از حق تعالی بی نیاز می بیند: او می پندارد خداوند باید مزد او را پرداخته و از او تشکر هم بکند و حتی گاه به خیال باطل می گوید اگر تو ای خدا به عدل خویش رفتار کنی همین مرا بس است. وقتی باور بر روح او مسلط شد دیگر جای التّجاء، توبه، انابه، استغفار و بازگشت به سوی خداوند برای او مطرح نخواهد بود.

۸. بندگان دیگر خداوند را به حقارت می نگرد. انسان معجب چون پنداشته که اعمال او از همه بهتر است دیگر اعمال دیگران را چیزی نمی بیند بلکه خود را محور رفتار صحیح دانسته و

گویا از همه طلبکار است.

۹. موجب ریا است: اگر شخص بر این باور بود که کاری نکرده و یا اگر عملی از او سر زده آن را چیزی نداند در این صورت دلیلی ندارد که کار خود را به دیگران نشان دهد. ولی آن کس که کارش را نیک پنداشته و خیال می کند که دسته گلی به آب داده است در صدد است که عمل خود را به این و آن نشان دهد و در برابر جمع فریاد برآورد که این کار من است.

توجه باید داشت که تمام مفاسدی که برای ریا در بحث قبل گذشت بر عجب و شخصی که کارش را بزرگ دیده خواهد بود.

۱۰. باعث کبر است: گویا به خود و رفتار و اعمال خود نازیدن در همه گناهان سر می کند و به هر لانه فساد آتشی دیگر می افروزد. تکبر خود برای بی ایمانی انسانی کافی

است که خود میوه ای فاسد از عجب است. در فرصت های آینده درباره کبر بحثی انشاء الله خواهیم داشت.

..... پی نوشت ها

- ۱- قرآن مجید، سوره مبارکه ق، آیه ۲۲
- ۲- محمد الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ابواب مقدمه عبادات، ص ۷۷
- ۳- روح الله الموسوی الخمینی، چهل حدیث، (تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸)، صص ۳۲-۵۷
- ۴- ان الله اعلم ان الذنب للمؤمن من العجب ولولا ذلك ما ابتلى مؤمناً بذنب ابداً
- ۵- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، کتاب الايمان والكفر، باب العجب، ح ۱
- ۶- الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ابواب مقدمه عبارات، ص ۷۸
- ۷- کلینی، اصول کافی، کتاب الايمان والكفر، باب العجب، ح ۸
- ۸- محمد صدوق، خصال، باب الثلاثه، ح ۸۶

